

کریم سیدی
ksayd@foni.net

طرح پیشنهادی مجموعه قوانین ایالتی ترکمنستان ایران (ترکمنصحرا)

تقدیم به تمامی آزادیخواهان، مساوات طلبان و ملیتهای تحت ستم ایران
و بویژه خلق فاقد حقوق و محروم ترکمن

مسئولیت پذیری انسان نسبت به هموعان و اعتقاد به همزیستی
مشترک و تلاش برای بکارگیری و شکوفایی خلاقیتهای بشر ضمن
گوناگونی و ویژگیهای گروههای مختلف آن با احترام و تضمین
حقوق آنها به اجرا در آمده و پیوند و وحدت آنها را مستحکم
تر می کند.

فدرالیسم به عنوان آلترناتیو و دارا بودن قابلیت جایگزینی
اش در مقایسه با روشها و پرنسپهای سیاسی و اجتماعی دیگر و
توانائیهایش در پاسخگویی و تحقق بخشیدن به اراده انسان،
آزادی، زندگی مشترک، صلح و عدالت مدتهاست که توسط
سیاستمداران و حقوقدانان و صاحبان نظران پذیرفته شده و طرحهای
جامع و گوناگونی از آن در تناسب و تطابق با وضعیت کشورها
ارائه شده و به اجرا در آمده است و همچنان در حال تکامل می
باشد.

ملیتهای گوناگون ایران نیز از دیرباز در جستجو و رهایی از
نابرابری حقوقی، اشکال مختلفی از قواعد و روشهای اجتماعی و
دولتی را مطرح و مطالبه کرده و برای نیل به آن چالشهای
گوناگونی را برگزیده اند.

برجسته ترین، گسترده ترین و رساترین این مطالبه، جنبش
کنونی و کیفیتا نوین آنهاست. لذا در پاسخگویی اصولی به این
صدای مساوات طلبانه سیاسی - حقوقی، ارائه و تنظیم طرحها
در تطابق با شرایط ویژه آنها مقدماتا وظیفه خود فرزندان
آنهاست تا از مضرات تمیلی و مغرضانه مبرا بوده و همچنین
بتوانیم با دستهای پر به پیشباز جنبش مان برویم.

مسلماً طرح پیشنهادی حاضر متضمن بازنگری و اصلاحات بعدی است
و این امر با تعمقات، بررسی و گفتمانهای متکی بر اصول و
پذیرش حقوق متقابل نتیجه بخش تر خواهد شد.

فصل اول : مقررات و موازین عمومی

قسمت اول

1 - دولت ایالت ترکمنستان ایران (ترکمنصحرا) يك دولت
دموکراتیک، اجتماعی و قانونمدار است

2 - دولت ایالت ترکمنستان ایران، دولتی است متکی بر خود و ضمن اعتقاد و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت خلقها و حقوق بشر مندرج در قطعنامه ها و قراردادهای سازمان ملل متحد، یکی از ایالات دولت جمهوری فدرال ایران را تشکیل می دهد

3 - ایالت ترکمنستان ایران فعالانه در بازسازی و شکوفایی کشور ایران شرکت کرده و دولت جمهوری فدرال ایران را در اجرای وظایف و تعهداتش حمایت و پشتیبانی می نماید.

قسمت دوم: ساختار دموکراتیک دولت ترکمنستان ایران

1- قدرت دولت ناشی از تمامی مردم است.

2- قدرت حکومتی مطابق حقوق انتخابات و رای گیری عمومی و برابر مقررات قانونی تعیین می شود.

قسمت سوم: همکاریها در سطح ایالت و ماوراء ایالت

1- نهادها و مقامات ایالت برای انجام وظایف و منافع عمومی باهم و با ایالات دیگر و همسایگان خارجی همکاری می کنند.

2- آنها بویژه تلاش می ورزند با تمامی وزارتخانه ها، سازمانهای دولتی و نهادهای مستقل عمومی ایالت ترکمنستان ایران توافقات را به انجام رسانده و مؤسسات و انستیتوها را ایجاد کرده و در پیشبرد امور در تطابق با قانون موظف هستند.

3- رفتار و تصمیمات دوایر دولتی و سازمانهای مستقل عمومی باید در جهت منافع همگانی همراه با تعهد و وفاداری باشد.

فصل دوم: قوانین، وظایف و حقوق اشخاص

قسمت اول: ارج و مقام انسان

1- ارج و منزلت انسانی محترم شمرده شده و غیرقابل خدشه دار شدن است.

2- تمامی افراد دولتی موظف به رعایت قانون و تعهدات خویش هستند.

قسمت دوم: قوانین و حقوق بنیادی

قوانین مربوط به آزادی

1- دولت موظف به تامین و حفظ آزادی است.

2- موارد زیر باید موکدا رعایت شوند:

الف- حق زندگی، برخورداری از سلامتی جسمی و روحی، آزادی تحرک و نقل و انتقال و انتخاب آزادانه محل زیست.

ب- آزادی بیان اندیشه و اظهار نظر.

پ- آزادی اطلاع رسانی و ابراز نقطه نظرات در مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی و الکترونیکی

ت- آزادی برخورداری از اطلاعات، آزادی اجتماعات و اتحاد گروههای مشترک المنافع

- ث- آزادی برخورداری از آموزشهای علمی، تحقیقی و فعالیتهای هنری
- د- محفوظ بودن اسرار شغلی، گفتگوها و ارتباطات تلفنی، کامپیوتری، محل زندگی اشخاص و جلوگیری از سوء استفاده از آنها
- ذ- حق زناشویی و خانواده
- ر- حق آزادانه انتخاب و فراگیری شغل و فعالیتهای آزاد اقتصادی
- ز- حق مالکیت، دارایی و ثروت

برابری حقوق:

- 1- تمامی انسانها در برابر قانون یکسان هستند.
- 2- هیچکس نباید به خاطر نوع ملیت، جنسیت، خاستگاه و تبار، ریشه و نسب، نژاد، جایگاه اجتماعی، جهان بینی، اعتقادات و تعلقات سیاسی و مذهبی از امتیاز خاصی برخوردار شود و یا مورد تبعیض قرار گیرد.

برابری حقوق زن و مرد:

- 1- زن و مرد دارای حقوق برابر می باشند. نهادها و مقامات ایالتی و سازمانهای مستقل عمومی برای تساوی مقام و ارزش آنها اهتمام می ورزند.
- 2- تمامی حقوق اشخاص و حقوق مردم در مورد زنان و مردان اعتبار یکسان دارند.

برخورداری از تضمینهای حقوقی:

- 1- همه کس حق برخورداری از حمایت و پشتیبانی قانون و وکیل مدافع را دارا می باشند. برخورداری از وکیل مدافع برای نابالغان رایگان می باشد.
- 2- نهادهای ایالتی و سازمانهای مستقل عمومی برای واگذاری رایگان اطلاعات حقوقی و قانونی به مردم تلاش می ورزند.
- 3- طرفین دعوی در دادگاه در تمامی حالات حق شنیدن، حق رفتار محترمانه مقامات با آنها و حق اثبات با ابزار قانونی را داشته و بایستی در فاصله زمانی متناسب از تصمیمات و احکام صادره مطلع شوند.
- 4- هر کس که بازداشت می شود دارای حقوق زیر می باشد:
 - الف- مطلع شدن فوری و تفهیم او در باره دلایل این تدبیر و در باره حق قانونی او.
 - ب- حق استماع قانونی جرم در عرض 24 ساعت بعد از دستگیری در برابر دادگاه
 - پ- بررسی و رسیدگی به مجازات او توسط دادگاه

تسلیم شکایات به دوائر دولتی

- 1— هرکس می تواند به اداره جات و دادگاهها تقاضا و شکایت نامه اش را ارائه دهد. به شاکیان و متقاضیان باید در مدت زمان متناسب پاسخ داده شود.
- 2— هرکس حق دارد برای پیگیری درخواستهایش به سازمان نظارت بر امور نهادهای دولتی و عمومی مراجعه کند.

منوعیت تعویق احکام

- 1— تعویق حکم مجاز نیست مگر در مواردی که از نظر زمانی و ایجاد فشار نامناسب باشد .

اجرای احکام و مصوبات

- 1— مصوباتی که در نتیجه رای گیری همگانی و مستقیم حاصل می شوند یک روز بعد از نتایج رای گیری به اجرا در می آید.
- 2— مابقی احکام و مصوبات علی الاصول 7 روز بعد از انتشار در وسایل ارتباط جمعی جنبه قانونی خواهند داشت.

تعهد و جبران خسارت

- 1— مراجع و مقامات ایالتی و سازمانهای مستقل عمومی مشمول جبران خسارت هستند اگر چنانچه در اثر عدم مراعات قانون، خسارتی را موجب شده باشند.
- 2— سلب آزادیهای شخصی و یا محدود کردن آن موجب غرامت و جریمه است.
- 3— غصب و یا ایجاد خسارت بر دارایی شخصی موجب پرداخت غرامت و جبران آن است.

تحقق حقوق بنیادی

- 1— حقوق بنیادی در تمامی امور و مراحل قانونی معتبر بوده و باید مراعات شوند.
- 2— هیچ کس حق ندارد با سوء استفاده از مقام و قدرت، حقوق بنیادی دیگران را به مخاطره بیاندازد.

مسدود شدن یا سلب حقوق بنیادی

- 1— حقوق بنیادی فقط در مواردی سلب می شوند که منافع و علائق عمومی آن را ایجاب کند. اما علی الاصول اعتبار آن غیر قابل خدشه دار شدن است.
- 2— محدود کردن حقوق بنیادی نیاز مند دلایل قانونی است. محدودیتهای سنگین و سخت بایستی در اشکال قانونی بطور واضح پیش بینی و معین شوند.
- 3— حقوق بنیادی افراد و اشخاص ویژه دولتی هنگامی مجاز است که منافع عمومی آن را ایجاب کند.

4- بازجویی، ضبط اموال، پرداخت جریمه و خسارت فقط هنگامی
موجه هستند که منطبق بر رعایت
و مقررات قانونی باشند. شکنجه و رفتار و اعمال غیر انسانی
به هیچ وجه مجاز نیستند.

قسمت سوم: حقوق و قوانین اجتماعی

تامین حداقل معیشت و تامین اجتماعی

1- هرکس حق برخورداری از کمکها و نیازمندیهای اضطراری را
دارد.

2- تشکیلات و اداره جات دولتی و سازمانهای مستقل عمومی
انسانهایی را که بویژه به خاطر کهولت سنی، از دست دادن
سلامتی و یا موقعیت خراب اقتصادی و اجتماعی نیازمند کمکهای
تامین اجتماعی هستند مورد حمایت قرار می دهند.

ارگانهای دولتی و مستقل عمومی در چهارچوب مسؤلیتها و اختیارات و ابتکارت شخصی برای امور زیر تلاش می ورزند:

- 1- هرکس بر طبق استعداد و تمایل خویش آموزش دیده تا
بدینوسیله در عرصه فرهنگی شرکت و فعالیت نماید.
- 2- هرکس برای حق دسترنج و کار خویش می تواند به دفاع مناسب
برخاسته و اعتصاب کند.
- 3- هرکس حق دارد برای کار مشابه از دستمزد مساوی
برخوردارگشته و از مرخصی با پرداخت حقوق بهره مند گردد.
- 4- هرکس حق دارد از مسکن مناسب برخوردار شود و به
عنوان مستاجر مورد حمایت قرار گیرد.

قسمت چهارم: حقوق شهروندی

1- حقوق و قوانین شهروندی در مورد اموال، عایدات و خسارات
دولت ایالت ترکمنستان ایران و سازمانهای عمومی توسط قانون
مقرر می شود.

پذیرش یا تابعیت شهروندی
ب- دولت فدرال ایران می تواند در چارچوب قوانین، مقررات
تابعیت شهروندی را تعیین کند.

قسمت پنجم: وظایف اشخاص

1- هرکس موظف است وظایفی که را قانونا از طرف دولت فدرال و
ایالتی و سازمانهای مستقل عمومی تعیین و مقرر شده انجام دهد.

فصل سوم: تقسیمات ایالتی

قسمت اول: تقسیمات منطقه ای و مرکز ایالت **مناطق ایالت ترکمنستان ایران (ترکمنصحرا):**

1- ایالت ترکمنستان مناطقی را در برمی گیرد که به تایید
دولت فدرال ایران نیز رسیده است.

- 2- برای تغییر مناطق متشکله ایالت ترکمنستان ایران رای گیری عمومی از ساکنین آن لازم و ضروری است.
- 3- تمیز کردن و مرمت مرزها با تایید پارلمان ایالت مجاز است.

مرکز ایالت

- 1- مرکز ایالت ترکمنستان ایران گنبد کاوس است.
- 2- پارلمان ایالتی، شورای حکومت ایالتی و بالاترین مرجع قضایی ایالت در گنبدکاوس قرار دارند.

قسمت دوم: مناطق و حوزه های اداری

- 1- مناطق و حوزه های اداری، تقسیمات و سازماندهی محدوده های جغرافیایی هستند که برای انجام وظایف محوله در ایالت فعالیت میکنند.
- 2- ایالت به مناطق اداری کمیش دپه، بندر ترکمن، آق قلا، رامیان، آزادشهر، گنبدکاوس، اینچه بورون، مینودشت، کلاله، ماراوا دپه و جرگلان تقسیم میشود.
- 3- تعلق سازمانهای مستقل عمومی به مناطق اداری را قانون معین می کند. سازمانهای مستقل عمومی می توانند فقط با توافق نظر خود به منطقه اداری دیگر بپیوندند و یا به منطقه اداری جدیدی واگذار شوند.

تقسیمات منطقه ای دادگاهها

- 1- تقسیم بندی منطقه ای دادگاهها، سازماندهی و ساختار غیرمتمرکز می باشند که برای امور مدنی و تعیین جرایم و احکام عادلانه فعالیت می کنند.
- 2- تقسیم بندی مناطق دادگاههای ایالت ترکمنستان ایران عبارتند از: کمیش دپه، بندر ترکمن، آق قلا، رامیان، آزادشهر، گنبدکاوس، اینچه بورون، مینودشت، کلاله، ماراوا دپه و جرگلان.

قسمت سوم: سازمانها و نهادهای مستقل عمومی **جایگاه و وظایف**

- 1- سازمانها و نهادهای مستقل عمومی ساختار و اجزاء شکل دهنده حقوق و قوانین عمومی هستند.
- 2- سازمان امور ساکنین محل، وظایف مهم محلی را انجام می دهند که توسط نهادهای دولتی به عهده آنها واگذار شده باشد، در صورتی که این امور به عهده ارگانهای دیگر محول نشده باشند.
- 3- سازمان امور شهروندی از حقوق شهروندی پاسداری می کند و به بالندگی و ارتقاء سطح فرهنگی یاری رسانده و از ارزشهای

- مادی و معنوی شهروندی پشتیبانی می کنند. آنها همچنین با سازمان امور ساکنین همکاری می کنند.
- 4 - هر جا که سازمان امور شهروندی وجود ندارد وظایف آن به عهده سازمان امور ساکنین محول می شود.
- 5- برای حل و پیشبرد وظایف میتوانند توسط مراجع قانونی ارگانهای منطقه ای ایجاد شوند.
- 6- پارلمان ایالتی می تواند توسط مقررات و مصوبات قانونی يك سازمان عمومی ایجاد و یا آن را ملغی سازد.

استقلال حقوقی

- 1- سازمانها و نهادهای مستقل عمومی می توانند در چهارچوب مقررات و قوانین اساسی کشور خود را سازمان دهی کنند، اعضا و همکاران خود را برگزینند و یا استخدام کنند و وظایفشان را بر حسب صلاحدید خود به انجام رسانده و کارها را بامسئولیت خودشان مستقلا اداره کنند.
- 2- تمامی ارگانها و تشکیلات ایالتی از استقلال سازمانهای مستقل عمومی پشتیبانی میکنند. مراجع قانونگزاری نیز حداکثر آزادی عمل آنها را تایید میکنند.
- 3- شورای دولت ایالتی بر امور سازمانهای مستقل عمومی نظارت می کند.

چگونگی تداوم اجزاء متشکله

- 1- برای متحد شدن و یا تقسیم مجدد سازمانهای مستقل عمومی به واحدهای کوچک و جدید و تغییر حوزه عملیاتی، توافق نظر بر طبق انتخابات لازم است و باید توسط پارلمان ایالتی نیز تایید شود.
- 2- جهت رفع اختلافات در مورد تعیین حوزه جغرافیایی - عملیاتی بین سازمانهای مستقل ساکنین، نظارت و تایید شورای دولت ایالتی ضروری است.
- 3- سازمان مستقل شهروندی و سازمان مستقل امور ساکنین میتوانند با توافق برحسب انتخابات، باهم متحد شوند.
- 4- در صورت عدم وجود سازمان مستقل شهروندی ، میتواند این سازمان توسط درخواست سازمان مستقل ساکنین و مطالبه دو- سوم آراء آنها تاسیس شود.

سازماندهی، ساختار تشکیلاتی، وظایف

- 1- سازمان مستقل عمومی ساکنین میتواند در چهارچوب قوانین اساسی و مصوبات، تشکیل و فعالیت نماید.
- 2- حقوق و نقش مردم در چگونگی سازماندهی ، توسط شرکت آنها در انتخابات مجمع عمومی و شورای ساکنین حاصل و متبلور میشود.

3— شورای سازمان مستقل عمومی بالاترین مرجع آن است. مدیریت سازمان به عهده این شورا است.

همکاریها

- 1— مراجع و مقامات ایالتی از همکاری با سازمانهای مستقل عمومی حمایت کرده و آنها را به همکاری دعوت می کنند.
- 2— سازمانهای مستقل عمومی می توانند برای انجام وظایف مشخص با دیگر سازمانهای عمومی در داخل ایالت و دیگر ایالات قراردادهایی را منعقد کنند و توافقاتی را به انجام برسانند. صوابت این اتحادها و قراردادهای، نیازمند اجازه و تایید شورای حکومت ایالتی است.
- 3— در مواردی پارلمان ایالتی می تواند سازمانهای عمومی را موظف گرداند که به یک سازمان عمومی دیگر بپیوندند.

نقش تشریک مساعی در ایالت

- 1— پنج سازمان مستقل ساکنین میتوانند مطالبات زیر را از مقامات و نهادهای ایالتی درخواست کنند:
 - الف - تغییر یا ملغی مصوبات و مقررات قانون اساسی
 - ب - اجرای یک رای گیری عمومی برای امر معینی
 - پ - سلسله مراتب اختیارات و مقررات همکاری مردم
- 2— در مورد تدارک برای وضع یک قانون یا صدور یک حکم توسط پارلمان و شورای حکومت ایالتی بایستی سازمانهای مستقل عمومی به موقع در جریان امور قرار گیرند.

فصل چهارم: ادارات و مؤسسات و نهادهای دولتی و عمومی ایالتی

مقررات عمومی

اصول و مقررات بنیادی

- 1— نمایندگان پارلمان ایالتی، توسط انتخابات عمومی - دوره ای برای مدت 4 سال تعیین می شوند.
- 2— شورای دولت ایالتی توسط پارلمان ایالتی برای مدت 4 سال برگزیده می شود.
- 3— شورای عالی قضایی ایالتی توسط پارلمان ایالتی و بر طبق مقررات قانونی برگزیده می شوند.
- 4— کارمندان و کارکنان ادارات و مؤسسات دولت ایالتی بر حسب حقوق و قوانین دولتی به استخدام در می آیند.

مقررات انتخابات و استخدام

- 1— برای شرکت در انتخابات پارلمان ایالتی دارا بودن شرایط انتخابات ضروری است.

- 2- مرجع و نهاد قانونگزاری می تواند شرایط انتخابات برای سایر نهادها و سازمانها را تغییر دهد.
- 3- اتخاذ مقررات جدید برای انتخابات و یا استخدام از طرف شهروندان و نهادهای مربوطه درخواست شود.
- 4- اعضای پارلمان ایالتی، سازمان نظارت بر امور نهادها ی دولتی و عمومی و قضات نمی توانند به عضویت شورای دولت ایالتی برگزیده شوند.
- 5- موارد دیگر را قانون می تواند معین می کند.
- 6- هرکس در دوره نمایندگی پارلمان استعفا دهد نمی تواند برای دور بعدی کاندید شود.
- 7- استعفا در دوره نمایندگی پارلمان به معنای طی يك دوره نمایندگی است.
- 8- فعالیتها، اعمال و رفتار پارلمان و دادگاهها در معرض عموم قرار دارد. استثناها را قانون معین میکند.
- 9- پارلمان ، حکومت و نهادهای دولتی و مسئولین موظف اند در مورد فعالیتهايشان به مردم گزارش دهند.

زبان

- 1- زبان اداری ایالت ترکمنستان ایران ترکمنی است.
- 2- تمامی ادارات ، نهادهای دولتی و عمومی تقاضانامه ها و شکایات نامه ها و مکتوبات به زبانهای فارسی و ترکی را نیز می پذیرند.
- 3- دولت ایالت ترکمنستان ایران برای آموزش و تربیت کادرها و متخصصین زبانهای تمامی ملیتهای ایرانی که در قانون اساسی ایران به رسمیت شناخته شده اند همت خواهد کرد تا بدینوسیله آمادگی دریافت مکتوبات به تمامی آن زبانها را پیدا کند و به شکوفایی فرهنگ چند زبانی یاری رساند.
- 3- اقلیتهای ملی ساکن در ایالت در آموزش و فراگیری زبان و فرهنگشان آزاد هستند. این حق ویژه آنها به رسمیت شناخته می شود. دولت ایالتی بایستی امکانات لازم مادی و معنوی برای این امر را فراهم کند.

اعتصاب

- 1- مسئولین نهادهای دولتی و کارکنان در مواقع اعتصاب بایستی بلافاصله به وساطت و چالش بپردازند.
- 2- وظایف اعتصاب عبارتند از: آمادگی، مشورت و انجام قرارداد.

سوگند رسمی

مسئولین نهادهای دولتی بایستی به تعهد و رعایت قانون سوگند یاد کنند. (ادامه دارد)

توضیحات:

1* بخش جنوبی سرزمین ترکمن (ترکمنستان ایران) سالیان درازی است که از نابرابری حقوقی، اجحاف، ظلم، آسیمیلیسیون، سرکوب هویت انسانی و ملی - اتنیکی در رنج و عذاب است و در يك کلام از حق تعیین سرنوشت خویش محروم شده است. این تضيغ حقوق از زمان رضا شاه به صورت سیستماتیک و اعمال سیاست شوونیستی بطور علنی و گستاخانه از جانب دولت رسمیت یافت و در دولت جمهوری اسلامی نیز علیرغم گشایش و اجازه فعالیت‌های محدود فرهنگی در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی، همچنان این خلق از حقوق ملی - اتنیکی و سیاسی محروم نگه داشته شده است. نامگذاری فرزندان، اماکن عمومی، تاریخی، شهرها و ایالات و سرزمین هر ملت و ملیت از ابتدایی‌ترین حقوق شناخته شده شان است که بازتاب بخشی از مشخصه های زبانی، فرهنگی، تاریخی و اتنیکی شان می باشد.

علیرغم این حق مسلم انسانی و حقوقی خلقها در نتیجه اعمال و تداوم سیاست آسیمیلیسیون، سرزمین و محل سکونت ترکمنها در زمان پهلوی به دو استان کشوری یعنی مازندران و خراسان تعلق گرفت. در جمهوری اسلامی نیز این خلق باز هم از داشتن حداقل يك استان واحد بنام ترکمنها محروم شد و بخشی از سرزمین ترکمن به استان جدید التاسیس گلستان و بخش دیگر جزء استان خراسان باقی ماند و در طرح تقسیم بندی جدید استان خراسان نیز قسمت شرقی سرزمین ترکمنها (جرگلان) به استان بجنورد تعلق می گیرد که در تعیین و چگونگی این تقسیمات ضد خلقی حق و نظر و رضایت ملیت ترکمن اصلا رعایت نشده است.

در پی این نقصان و جهت پرکردن این حفره عظیم، واژه غیر اداری و غیررسمی ترکمنصحرا بکار گرفته می شود. در بررسی این امر باید گفت:

1.1 - در کدام منابع و یا تقسیمات کشوری نامی از ترکمنصحرا به معنای حوزه اداری، رسمی و دولتی نام برده شده است؟! شهرها، بخشها و مرکز این حوزه استانداری و یا فرمانداری کل و غیره کدام است؟!.

1.2 - در توضیح عدم گویایی و ضعف بیانی مشخصه های سرزمین ترکمن تحت نام ترکمنصحرا می توان به تداعی سرزمینی منحصرأ صحرا یی و بیابانی اشاره کرد. در حالیکه این سرزمین مانند بسیاری از مناطق و استانهای دیگر و از نظر نسبی در مواردی خیلی بیشتر از آنها پوشیده از جنگل، کوه، رود، دریا، منابع طبیعی و زیر زمینی، دشت و دارای ویژگیهای طبیعی دیگر نیز هست. همانطور که تداعی ما از صحرای غربی (پولیساریو) سرزمینی بطور عمده پوشیده از بیابان و صحراست، نام ترکمنصحرا نیز به مانند آن بیابان و صحرای برهوت با مردمانی بادیه نشین و چادر نشین را در ذهن تداعی می کند و اساسا نامی است که بوی دسیسه می دهد و در خلق

آن دستهای پنهان و آشکار شوونیسم و استعمار و خوش رقصی و خوش باوری و وابستگان و ناآگاهان را دید.

3.1 - نگاهی به نامگذاری سرزمین خلهایی که به قسمتهای مختلف تقسیم شده اند و منطق حاکم بر نامگذاری آنها، ما را در گزینش نامهای مناسبتر رهنمون می سازد:

جمهوری آذربایجان و آذربایجان شرقی و غربی در ایران. بلوچستان پاکستان و بلوچستان ایران. یمن شمالی و یمن جنوبی. کره شمالی و کره جنوبی. ویتنام شمالی و ویتنام جنوبی، آلمان شرقی و آلمان غربی. کشور مغولستان و ایالت مغولستان داخلی در چین و جمهوری ترکمنستان و ایالت ترکمنستان ایران و غیره. همانطور که ملاحظه می کنید نام سرزمین یک خلق که هر قسمت آن در دولتهای متفاوت قرار دارند با حفظ یگانگی نام سرزمین با پیشوند و پسوندهای متفاوت سمتهای جغرافیایی و یا دولت متعلقه مشخص شده اند.

4.1 - اگر چنانچه این واژه غیر رسمی و غیر اداری است و شامل تقسیمات کشوری نیست و نشانگر تمامی مناطق سکونت ترکمنها نیست چرا و به چه منظور برخی از ترکمنهای مدافع حقوق ملی این ملیت نیز بدون گزینش نام مناسب به تکرار آن می پردازند. آیا با تکرار این امر به حذف شدن منطقه جرگلان در سمت شرقی سرزمین ترکمنها از حذف پیوستگی اداری و گست همبستگی اتنیکی آن به سرزمین و ملیت ترکمن که به دست دشمنان و کینه توزان خلق طراحی شده و می شود کاملاً واقف بوده و در برابر آن به وظیفه روشنگری، ملی و گزینش آلترناتیوهای شایسته تر عمل می کنیم؟!

دفاع و جایگزینی اصطلاحات متناسب و ترویج آن مانند مبارزه برای کسب حق نامگذاری فرزندانمان بر طبق زبان و فرهنگ ملی - قومی مان در عرصه حیات فرهنگی و سیاسی حائز اهمیت است و حداقل ذهنیتها را از دامنه توطئه ها، تخریب هویت و گست یکپارچگی منطقه سکونت مطلع و بیدار می کند و سدی روحی و روشنگرانه در برابر سیاستهای آسیمیلیسیون ایجاد می کند.

بنابر این تعمق، ابداع و تصحیح کاربرد بسیاری از واژه ها امری حیاتی و مهم در کسب حقوق ملی - قومی است و فقط امر فردای آفتابی نیست. همانطور که فراگیری زبان مادری مان به شکل صحیح دستور زبان ترکمنی و علمی و کاربرد آن در نشریات و کتب و مکاتبات بین مردمان در حال نضح است و به فردا موکول نشده است.

2* در این طرح به خاطر ملموستر و عینی تر شدن ترسیم تقسیمات اداری - منطقه ای، شهرهای بزرگ فعلی مورد استناد قرار گرفته اند. اما باید خاطر نشان شود که رشد و ازدیاد جمعیت و گسترش بسیاری از روستاهای منطقه که در حد نصاب یک بخش قرار گرفته اند و در نشریات منطقه نیز بازتاب گسترده ای یافته اند در شرایط عملی در تقسیمات اداری بایستی مورد توجه و بازبینی مجدد قرار گیرند.

*3 تجربه کشورهای فدرالیستی و عدم تمرکز در مورد معیار تعیین مراکز اداری ایالات بر امکانات طبیعی شهر، حفظ محیط زیست، ترافیک، ظرفیت ایجاد شغل و تناسب فاصله توابع و تقسیم متعادل امکانات تکیه دارد. بنابراین گزینش مراکز اداری و مرکز ایالت الزاما بزرگترین و پرجمعیت ترین شهرهای فعلی نیستند.

*4 پیش فرض این طرح چنین است که دولت فدرال ایران از ایالات مختلف و با حق قانونگذاری تشکیل شده است. دولت فدرال ایران دارای سیستم قانونگذاری دو مجلسی بوده و عبارتند از مجلس شورای ملی و مجلس ایالات (ملیتهای). ریاست دولت فدرال ایران توسط نخست وزیر است که توسط مجلس تعیین میشود. مجلس همچنین رئیس جمهور را نیز بر می گزیند.

در قانون اساسی دولت فدرال ایران، زبان تمامی ملیتهای ایران اعم از ترك، فارس، كرد، تركمن، عرب و بلوچ به عنوان زبانهای رسمی اعلام شده است. در قانون اساسی حق تعیین سرنوشت خلیقها و کنوانسیون حقوق بشر پذیرفته شده است. قانون اساسی دولت فدرال ایران دموکراسی پارلمانی و دموکراسی مستقیم (شرکت، انتخاب و تعیین مستقیم مردم در امور کشور) را به رسمیت شناخته است.